

نقش تعاملی قومیت و جنس در تبیین تحول روانی-اجتماعی دانشجویان

عصمت دانش^۱

دریافت مقاله: ۹۴/۰۴/۰۹؛ دریافت نسخه نهایی: ۹۴/۱۱/۳۰؛ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۲/۰۴

چکیده

هدف: هدف پژوهش تعیین نقش تعاملی قومیت والدین فارس، ترک، کرد، لر بر تحول روانی-اجتماعی فرزندان دختر و پسرشان بود. **روش:** روش پژوهش علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری دانشجویان استان البرز در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بود. با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از میان ۲۹۴۷۴ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، آزاد اسلامی واحد کرج و دانشکده کشاورزی ۴۰۰ نفر و از هر قوم ۱۰۰ دانشجو شامل ۵۰ دختر و ۵۰ پسر انتخاب شد. ابزار پژوهش پرسشنامه تحول روانی-اجتماعی هاوولی (۱۹۸۸) بود. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد نمره نگرش‌های مثبت به ترتیب در دانشجویان فارس، کرد و ترک بیش از دانشجویان لر ($F = ۸/۵۸, P < ۰/۰۰۱$) و نمره نتیجه تحول دانشجویان فارس و ترک بیش از دانشجویان لر ($F = ۵/۲۵, P < ۰/۰۱$)؛ و اثر تعاملی جنس \times قومیت تنها برای نگرش‌های مثبت معنادار ($F = ۴/۲۲, P < ۰/۰۰۶$) و بالاترین نمره در نگرش‌های مثبت متعلق به دختران ترک و پسران کرد؛ در دختران قوم لر بیش از پسران همین قوم بود؛ و در مجموع با آن که رشد نگرش‌های مثبت دختران و پسران قوم لر در حد مطلوبی بود اما از اقوام دیگر کمتر بود. **نتیجه‌گیری:** پیشنهاد می‌شود جنبه‌هایی از مشترکات فرهنگی، تربیتی، رفتاری و مذهبی هر یک از اقوام به‌ویژه قوم لر که بر تحول روانی-اجتماعی فرزندان دختر و پسر آن‌ها تأثیری منفی دارد، شناسایی و برنامه‌های آموزشی برای اصلاح آن‌ها تدوین شود.

کلیدواژه‌ها: اثر تعاملی، ترک، تحول، روانی-اجتماعی، فارس، قومیت، کرد، لر

برگرفته از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۱. استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران

Email: esmat_danesh@yahoo.com

مقدمه

شکل‌گیری شخصیت انسان ناشی از تحول در زمینه‌های جسمانی، روانی و اجتماعی است که همه این تغییر و تحولات خود نیز تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارند (فیلس، ۲۰۱۰). این پیچیدگی‌ها زمینه نظریه‌پردازی، تبیین و پژوهش هرچه بیشتر را در مورد نحوه تحول روانی-اجتماعی انسان و نقش آن در زندگی بشری فراهم کرده است. در نظریه اریکسون^۱ (۱۹۶۳؛ نقل از مک‌لود، ۲۰۱۳) هر پدیده روانی را باید در سایه ارتباط متقابل بین عوامل زیستی و معیارهای روانی و اجتماعی حتی تجربه‌های شخصی فرد بررسی کرد.

به اعتقاد اریکسون رشد شخصیت فرایندی همیشگی و متحول است که دربرگیرنده تلاش انسان برای غلبه بر مسائل مربوط به چگونگی گذراندن هشت مرحله است که به صورت منظم و پیاپی از تولد تا پیری صورت می‌گیرد؛ اما همه افراد به مراحل بالاتر دست نمی‌یابند. در تمامی مراحل هشت‌گانه، یک نوع تعارض و دوگانگی وجود دارد. اگر فرد جنبه مثبت تعارض را پشت سر بگذارد، دارای رشدی متعادل است و به توحید یافتگی می‌رسد، اما چنانچه جنبه منفی تعارض را بگذراند، دچار اختلال در تحول خواهد شد (برک، ۱۳۹۳). چگونگی برخورد محیط با کودک، می‌تواند او را به سمت قطب مثبت یا منفی تحول سوق دهد (هارلی، ۲۰۱۱).

ویگوتسکی^۲ ۱۹۸۱، نیز به تأثیرات جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی تاکید کرده و معتقد است در صورتی که رشد زیستی زیربنایی، به سطح مناسبی رسیده باشد، فرهنگ با استفاده از زبان و تعامل اجتماعی، امکان رشد شناختی را فراهم می‌کند (کاپل و بردکامپ، ۲۰۰۹). این دیدگاه به نحوه انتقال فرهنگ، ارزش‌ها، اعتقادات، سنت‌ها و مهارت‌های یک گروه اجتماعی به نسل بعدی تمرکز دارد؛ و تعامل اجتماعی به‌ویژه گفتگوهای یاری‌گرایانه با اعضای آگاه‌تر جامعه را برای فراگیری شیوه‌های تفکر و رفتارهای جامعه از سوی کودکان بسیار ضروری می‌داند (سیلور، ۲۰۱۱). به باور او «خاستگاه» روان آدمی، اجتماع است و فرایندی که به آن شکل می‌دهد ارتباط است؛ و رشد شناختی کودک عموماً به مردمی که در دنیای او زندگی می‌کنند وابسته است. دانش‌ها، اندیشه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های فرد در تعامل با دیگران تحول می‌یابند (گردلر، ۲۰۰۹)؛ که از فرهنگی به فرهنگ دیگر کاملاً فرق می‌کند (کرین، ۲۰۱۰).

کشور ما جامعه‌ای است که از چندگونگی و تنوع قومی زیادی برخوردار است. قوم اجتماع کوچکی از انسان‌ها، درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که به صورت «واقعی» یا «احساسی و ادراکی»، دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات و گذشته تاریخی فرهنگی مشترک و دارای یک یا چندین

1. Erikson
2. Vygotsky

عصر نمادین نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و ویژگی‌های ظاهری و جسمانی مشترک هستند؛ که هویت گروهی آن‌ها را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضا آن به تعلقات گروهی-قومی خویش آگاهی دارند (کریم‌زاده، علوی و احمدی‌راد، ۱۳۹۲). پژوهش‌های مختلفی که در ایران درباره هویت قومی انجام گرفته است، نشان می‌دهد که احساس هویت قومی نزد همه اقوام قوی است و همه اقوام در قبال اجتماع قومی خود، احساس مسئولیت و وفاداری بسیاری دارند (چلبی، ۱۳۸۷؛ حاجیانی، ۱۳۸۷). به‌رحال تکرر و تنوع قومی والدین می‌تواند باعث رفتارهای اجتماعی متفاوت آن‌ها شود (اعظم‌آزاده و دهقان‌فرد، ۱۳۸۵)؛ و بر سبک‌های والدینی و رشد روانی-اجتماعی فرزندان‌شان اثرگذار باشد. طبق نظر بوش و پترسون (۲۰۰۷) سبک‌های والدینی در فرهنگ‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد به‌عنوان مثال در فرهنگ‌های آسیایی، سبک والدینی مستبد با نگرانی و عشق والدین ارتباط دارد در حالی‌که در میان آمریکایی‌ها، این سبک با خصومت و تسلط والد معنا می‌شود. بنابراین می‌توان گفت قومیت‌های مختلف والدین ممکن است منتهی به تفاوت‌هایی در بین آن‌ها از نظر نحوه برخورد، شخصیت، شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های تربیتی و انتظارات از فرزندان دختر و پسرشان شود.

از سوی دیگر پژوهشگران از جمله باکاتکو و داهلر (۲۰۰۴) به اثبات رساندند الگوهای رفتاری متقابل والدین-فرزند از مهم‌ترین متغیرهای موثر در فرایند تحولات جسمی، روانی و اجتماعی انسان است؛ و از نظر تنو، ژو، لایو و لیو (۲۰۱۳) بنا بر شرایط و ویژگی‌های منحصر به فردی که انسان دارد، عوامل روانی-اجتماعی تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری شخصیت و رفتار او دارد. بلاسی، ماردالا، پسیلی، پسیلی، لاریلو و پسیلی (۲۰۰۵) نیز نشان دادند هر الگویی از رفتار والدین بر رشد و شخصیت کودک اثر می‌گذارد. به‌عنوان مثال نتایج پژوهش رئیس‌یان زاده (۱۳۸۹) بیانگر آن بود والدین دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، بنا بر رابطه مستقیم این نوع جهت‌گیری با شیوه فرزندپروری اقتداری، نسبت به دیگر والدین در رشد نگرش‌های مثبت روانی-اجتماعی و تربیت فرزندان موفق‌ترند. همچنین رابطه معناداری بین نوع تربیت ارائه‌شده توسط والدین و کیفیت زندگی در بزرگسالی یافت شده است (اسلیکر، پیکلسیر، گزک و فولر، ۲۰۰۵). شایک (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که ویژگی‌های والدین با سلامت روان نوجوانان همبستگی دارد، اما به‌طور کلی ویژگی‌های پدر بر سلامت روان نوجوانان تأثیر بیشتری دارد. نتایج پژوهش جمالی و سیف (۱۳۹۱) همبستگی مثبتی را بین ابعاد تحول روانی-اجتماعی دانشجویان دارای استعداد درخشان، با تجربه-های تعاملی آن‌ها نشان داد. پژوهش مارسینگلیا، والسزیک، یوبلتز و گریفیت راس (۲۰۰۷) در مورد ۳۳۴ دانشجوی ۱۸ تا ۲۵ ساله نشان داد سبک والدینی مقتدر، اثرات بلندمدت سودمندی دارد و فرزندان این والدین، در پنج مرحله اول رشد روانی-اجتماعی اریکسون، نسبت به فرزندان دارای والدین با سبک مستبد و یا آسان‌گیر، نمره‌های بالاتری کسب می‌کنند. همچنین میان سبک

اقتداری و ویژگی شخصیت انعطاف‌پذیری والدین ارتباط وجود دارد (مداحی، صمدزاده، جاویدی و امینی، ۲۰۱۲). پژوهش دانش، تکریمی و نفیسی (۱۳۸۶) نشان داد شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و بی‌اعتناء بیش از شیوه‌های قاطعانه و سهل‌گیرانه موجب افسردگی دختران و پسران می‌شود و دختران بیش از پسران تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین‌شان دچار افسردگی می‌شوند. در پژوهشی دیگر دانش، رضابخش، بهمنی و سلیمی‌نیا (۱۳۹۰) نشان دادند شیوه تربیتی اقتداری، عامل مهمی در رشد عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن است. از سوی دیگر عزت نفس جنسی نقش مهمی در تقویت عوامل روان‌شناختی مثل جذابیت جسمانی، احساسات، افکار و رفتار جنسی دارد که در رابطه جنسی سالم، عوامل روان‌شناختی علاوه بر هورمون‌های جنسی نقش مهمی ایفا می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهشی موجود پژوهشگران در میان جمعیت‌های متنوع قومی، ارتباط مثبت هویت قومی را با بهزیستی نشان داده‌اند (سید، واکر، لی، یومانا-تیلور، زنبوآنگا و همکاران، ۲۰۱۳؛ اسمیت و سیلوا، ۲۰۱۱؛ کرایجر، ۲۰۱۰؛ ایواموتو و لیو، ۲۰۱۰). پژوهش‌های دیگر نیز به این نتیجه رسیدند که هویت قومی قوی، باعث کاهش عواطف منفی می‌شود (ویلیام، چپمن، وانگ، ترک‌هیمر، ۲۰۱۲). پژوهش‌های دیگر رابطه معنی‌دار هویت را با بهزیستی (علیجانی، ۱۳۸۵)، هویت قومی را با بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس رضایت از زندگی نشان داده‌اند (تقی‌زاده، خوش-کنش، زاده‌محمدی و حبیبی، ۱۳۹۳). نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که پسران در مقایسه با دختران، احساس هویت قومی قوی‌تری دارند (چاو وو، ۲۰۰۸؛ گو و له، ۲۰۰۵). همچنین، برخی پژوهش‌ها نمره بهزیستی دختران را بالاتر از پسران (دردیکمن-ایرون، ایندرداویک، براتبرگ، تارسون، یاکن و کولتون، ۲۰۱۱) و نمره هویت قومی پسران را بالاتر از دختران، و تفاوت میانگین هویت قومی در گروه‌های گُرد و لُر و میان هویت قومی فارس را با تُرک و لُر و گُرد و نیز تفاوت بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس رضایت از زندگی را بین گروه‌های قومی تُرک و گُرد، و گُرد و فارس معنی‌دار گزارش کرده‌اند (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

بنا بر آنچه گفته شد و با توجه به این‌که خواهان رشد و پیشرفت بودن و دستیابی به آن، مستلزم صرف هزینه‌های زیادی در زمینه تربیت نیروی انسانی هر جامعه خواهد بود؛ و اعمال چنین توجهی نیز مستلزم نگاه به تحول ابعاد بنیادی انسان است و این مهم نیز خود متأثر از عوامل گوناگون است که جدا از یکدیگر نیست و لازم و ملزوم یکدیگر است، انجام چنین پژوهش‌هایی از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید از دیدگاه‌های متفاوت روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، حقوقی از اولویت‌های اصلی پژوهش در جامعه باشد. تا نکات مهمی در زمینه نقش تعاملی قومیت والدین و جنس فرزندان بر تحول روانی-اجتماعی آن‌ها آشکار و برجسته شود؛ و بتوان با این

نقش تعاملی قومیت و جنس در تبیین تحول ...

آگاهی‌ها در جهت کمک به فرزندان این مرز و بوم با برنامه‌ریزی‌های لازم، گامی برداشت. از این‌رو پژوهش حاضر به اجرا در آمد تا به سوال‌های زیر پاسخ دهد.

۱. آیا سطح تحول روانی-اجتماعی دانشجویان با قومیت‌های مختلف متفاوت از یکدیگر است؟
۲. آیا تعامل جنس فرزندان و قومیت والدین در تبیین تحول روانی-اجتماعی معنا دار است؟
۳. سطح تحول روانی-اجتماعی دانشجویان دختر در کدام یک از اقوام بیشتر است؟
۴. سطح تحول روانی-اجتماعی دانشجویان پسر در کدام یک از اقوام بیشتر است؟

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعه‌های علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های آزاد و دولتی استان البرز بود که والدین آن‌ها به یکی از قومیت‌های فارس، ترک، کرد و لر متعلق باشند. روش نمونه‌گیری ترکیبی از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و نمونه‌گیری هدفمند بود. ابتدا به صورت تصادفی ساده دانشگاه فرهنگیان، دانشکده کشاورزی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج انتخاب شد. جامعه آماری در سه دانشگاه مذکور در کل تعداد ۲۹۴۷۴ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۳ بود که طبق جدول کرجسی-مورگان (۱۹۷۰) تعداد آزمودنی‌ها تعداد ۴۰۰ نفر دانشجو و برای هر قوم نیز ۱۰۰ نفر و بر اساس جنس آن‌ها ۵۰ دختر و ۵۰ پسر در نظر گرفته شد. سپس با انتخاب تصادفی ۵ دانشکده از سه دانشگاه مذکور به دانشکده‌ها مراجعه و به صورت هدفمند، دانشجویانی انتخاب شد که واجد قومیت‌های مذکور و معیارهای ورود به پژوهش بودند. معیارهای ورود به پژوهش، قومیت یکسان پدر و مادر دانشجویان، زندگی مشترک والدین، سلامت جسمی و روانی دانشجویان بود. معیارهای حذف، وجود اختلاف در خانواده، مطلقه بودن یا جدا زندگی کردن والدین، زندگی کردن با ناپدری و یا نامادری، بی‌سوادی کامل، اعتیاد به مواد مخدر و وجود بیماری‌های شدید روانی پدر یا مادر یا فرزندان آن‌ها، ابتلا به صرع دانشجویان، بیماری‌ها یا معلولیت‌های جسمی بارز در دانشجویان بود.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه تحول روانی-اجتماعی. پرسشنامه ۱۱۲ جمله‌ای هاولی (۱۹۸۴ و ۱۹۸۸) یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی و مبتنی بر تعبیرهای اریکسونی و دارای ۸ خرده‌مقیاس با دو بعد مثبت و منفی اعتماد/بی‌اعتمادی، استقلال عمل/شرم و شک، ابتکار/احساس گناه، کوشایی/احساس کهنتری، احراز هویت/سردرگمی هویت، صمیمیت/انزوا، زاینده‌گی/بی‌حاصلی، کمال/نومیدی است

* علاقه‌مندان می‌توانند جهت تهیه ابزار این پژوهش با نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول مکاتبه کنند.

که بر پایه مقیاس ۵ درجه‌ای از به‌هیچ‌وجه در مورد من صدق نمی‌کند = ۱، تا کاملاً در مورد من صدق می‌کند = ۵ نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای ۲۷ زیرمقیاس است که به ۳ دسته مساوی تقسیم شده و به‌صورت هشت مقیاس مثبت است که شامل اعتماد سؤال‌های ۱، ۱۷، ۳۳، ۴۹، ۶۵، ۸۱، ۹۷؛ استقلال عمل سؤال‌های ۵، ۲۱، ۳۷، ۵۳، ۶۹، ۸۵، ۱۰۱؛ ابتکار سؤال‌های ۱۰، ۲۶، ۴۲، ۵۸، ۷۴، ۹۰، ۱۰۶؛ کوشایی سؤال‌های ۱۴، ۳۰، ۴۶، ۶۲، ۷۸، ۹۴، ۱۱۰؛ احراز هویت سؤال‌های ۳، ۱۹، ۳۵، ۵۱، ۶۷، ۸۳، ۹۹؛ صمیمیت سؤال‌های ۷، ۲۳، ۳۹، ۵۵، ۷۱، ۸۷، ۱۰۳؛ زاینده‌گی سؤال‌های ۱۲، ۲۸، ۴۴، ۶۰، ۷۶، ۹۲، ۱۰۸؛ کمال سؤال‌های ۱۶، ۳۲، ۴۸، ۶۴، ۸۰، ۹۶، ۱۱۲ است. هشت مقیاس منفی شامل بی‌اعتمادی سؤال‌های ۹، ۲۵، ۴۱، ۵۷، ۷۳، ۸۹، ۱۰۵؛ شرم و شک سؤال‌های ۱۳، ۲۹، ۴۵، ۶۱، ۷۷، ۹۳، ۱۰۹؛ احساس گناه سؤال‌های ۲، ۱۸، ۳۴، ۵۰، ۶۶، ۸۲، ۹۸؛ احساس کهنتری سؤال‌های ۶، ۲۲، ۳۸، ۵۴، ۷۰، ۸۶، ۱۰۲؛ سردرگمی هویت سؤال‌های ۱۱، ۲۷، ۴۳، ۵۹، ۷۵، ۹۱، ۱۰۷؛ انزوا سؤال‌های ۱۵، ۳۱، ۴۷، ۶۳، ۷۹، ۹۵، ۱۱۱؛ بی‌حاصلی سؤال‌های ۴، ۲۰، ۳۶، ۵۲، ۶۸، ۸۴، ۱۰۰ و نومیدی سؤال‌های ۸، ۲۴، ۴۰، ۵۶، ۷۲، ۸۸، ۱۰۴ است؛ و هشت مقیاس نتیجه^۱ که حاصل جمع جبری هریک از مقیاس‌های مثبت و منفی است؛ که جهت و درجه نتیجه بین مقیاس‌های مثبت و منفی را در هر بُعد منعکس می‌کند. همچنین این پرسشنامه دارای سه مقیاس کل است که شامل جمع کل هشت مقیاس مثبت، جمع کل هشت مقیاس منفی و جمع جبری کل هشت مقیاس نتیجه است. در بررسی هاوولی (۱۹۸۸) ضرایب همسانی درونی برای مقیاس‌های مثبت بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ و برای مقیاس‌های منفی بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ به‌دست آمد. در این پژوهش ضرایب آلفا کرونباخ برای مقیاس‌های مثبت اعتماد = ۰/۶۵۱، استقلال عمل = ۰/۶۴۶، ابتکار = ۰/۷۱۳، کوشایی = ۰/۶۹۷، احراز هویت = ۰/۶۱۹، صمیمیت = ۰/۵۶۵ و با حذف سوال ۷ = ۰/۶۳۷، زاینده‌گی = ۰/۷۲۴، کمال (تمامیت) = ۰/۶۱۰ و برای کل مقیاس‌های مثبت = ۰/۹۲۸ محاسبه شد. برای مقیاس‌های منفی بی‌اعتمادی = ۰/۸۰۱، شرم و شک = ۰/۸۶۳، احساس گناه = ۰/۵۴۵ با حذف سوال ۲ = ۰/۶۰۲، احساس کهنتری = ۰/۵۶۰ با حذف سوال ۶ = ۰/۷۵۸، سردرگمی هویت = ۰/۷۶۹ با حذف سوال ۴۳ = ۰/۸۴۲، انزوا = ۰/۷۷، بی‌حاصلی (رکود) = ۰/۸۲۷، نومیدی = ۰/۸۵۴ و برای کل مقیاس‌های منفی = ۰/۹۵۹ محاسبه شد.

شیوه اجرا. پس از کسب اجازه و موافقت مسئولان دانشگاه‌های مورد مطالعه و هماهنگی با رئیس دانشکده‌ها، اطلاعات مربوط به تعداد کلاس‌ها در هر دانشکده از مسئولین آموزش کسب و کلاس‌ها به‌طور تصادفی انتخاب و پس از هماهنگی با استاد، و مراجعه به کلاس‌ها در وقت تعیین‌شده، اهداف

1. resolution scales

پژوهش برای دانشجویان هر کلاس به‌وضوح بیان شد. برای انتخاب دانشجویان واجد شرایط، ابتدا پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی در اختیار آن‌ها قرار گرفت. سپس با بررسی این پرسشنامه، به‌صورت هدفمند، دانشجویانی انتخاب شدند که واجد معیارهای ورود و فاقد معیارهای حذف بودند و به پرسشنامه‌های تحول روانی-اجتماعی پاسخ دادند.

یافته‌ها

میانگین سن در فرزندان قوم فارس ۲۳/۸۲ با انحراف‌معیار ۴/۱۶ سال، در قوم تُرک ۲۳/۲۶ با انحراف‌معیار ۴/۴۲، در قوم لُر ۲۳/۷۷ با انحراف‌معیار ۴/۵۵ و در قوم کُرد ۲۴/۶۳ با انحراف‌معیار ۵/۰۵ بود که از نظر سنی چهار قوم همگن به‌نظر می‌رسند. از نظر رشته تحصیلی به‌ترتیب ۶۹، ۷۵، ۷۲ و ۶۴ درصد فرزندان قوم فارس، تُرک، لُر و کُرد رشته‌شان انسانی؛ ۱۶، ۱۷، ۷ و ۲۱ درصد فنی مهندسی؛ ۱، ۳، ۱۶ و ۶ درصد علوم پایه و ۸، ۱۱، ۴ و ۹ درصد نیز تربیت بدنی، هنر و پزشکی و دامپزشکی؛ و حاکی از گرایش بیشتر فرزندان قوم فارس به رشته انسانی، قوم کُرد به فنی مهندسی و قوم لُر به علوم پایه بود. از نظر شغل به‌ترتیب ۹۰، ۸۷، ۷۶ و ۸۴ درصد فرزندان قوم فارس، تُرک، لُر و کُرد فقط دانشجوی و علاوه بر دانشجویی به‌ترتیب ۶، ۶، ۲۲ و ۱۰ درصد کارمند؛ ۴، ۵، ۰ و ۲ درصد دارای شغل آزاد و ۰، ۲، ۲ و ۲ درصد فرزندان نیز دارای شغل فرهنگی بودند؛ که به این ترتیب بیشترین دانشجوی در فرزندان قوم فارس و بیشترین شاغل در فرزندان قوم لُر با ۲۴ درصد بود. از نظر وضعیت تاهل ۸۶ به‌ترتیب ۱۹، ۱۲، ۱۷ و ۷ درصد فرزندان قوم فارس، تُرک، لُر و کُرد متاهل؛ و به‌ترتیب ۸۱، ۸۸، ۸۳ و ۹۳ نیز مجرد بودند؛ بیشترین تاهل، ۱۹ درصد متعلق به فرزندان قوم فارس و بیشترین میزان مجرد، ۹۳ درصد متعلق به فرزندان قوم کُرد بود. از نظر شغلی پدران فرزندان قوم فارس، تُرک، لُر و کُرد به‌ترتیب ۲۷، ۳۹، ۴۶ و ۳۵ درصد شغل آزاد؛ ۴۵، ۳۸، ۲۹ و ۲۸ درصد کارمند؛ ۱۳، ۱۳، ۶ و ۱۹ درصد بازنشسته؛ ۸، ۴، ۰ و ۱۳ درصد فرهنگی؛ ۰، ۳، ۱۶ و ۰ درصد کارگر و ۷، ۳، ۳ و ۵ درصد نیز سایر مشاغل را داشتند؛ و به‌این ترتیب بیشترین شغل آزاد و کارگری در پدران فرزندان قوم لُر، بیشترین کارمند در پدران قوم فارس و بیشترین بازنشسته و فرهنگی در پدران قوم کُرد بود. شغل مادران فرزندان قوم فارس، تُرک، لُر و کُرد به‌ترتیب ۸۶، ۶۷، ۵۸ و ۴۴ درصد خانه‌دار؛ ۱، ۲، ۱ و ۱ درصد آزاد؛ ۳، ۲۳، ۳۷ و ۳۹ درصد کارمند؛ ۸، ۶، ۲ و ۱۰ درصد فرهنگی بود؛ و ۳، ۴، ۳ و ۷ درصد نیز سایر مشاغل را داشتند؛ و به‌این ترتیب بیشترین شغل خانه‌داری در مادران فرزندان قوم فارس و بیشترین شغل کارمندی و فرهنگی در مادران فرزندان قوم کُرد بود. از نظر درآمد پدران فرزندان قوم فارس، تُرک، لُر و کُرد به‌ترتیب ۱۴، ۱۳، ۴ و ۱۲ درصد درآمدی بالای ۳ میلیون تومان؛ ۶۸، ۶۸، ۷۸ و ۶۶ درصد بین ۱/۵ تا ۳ میلیون تومان

و ۱۸، ۱۹، ۱۶ و ۲۱ درصد درآمدی زیر ۱/۵ میلیون تومان؛ و به این ترتیب پدران فرزندان قوم فارس بیشترین درآمد و پدران فرزندان قوم کرد کمترین درآمد را داشتند.

جدول ۱. نتیجه حل تعارض مراحل هشت گانه تحول روانی-اجتماعی افراد به تفکیک هر قوم

فارسی		تُرك		لُر		كُرد		نتیجه حل تعارض نگرش مثبت و منفی
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۴/۹۲	۸/۱۰۴	۴/۹۷	۸/۱۸	۲/۲۱	۷/۱۷	۳/۷	۸/۱۲	اعتماد/بی اعتمادی
۴/۷۶	۷/۹۱	۳/۶۱	۶/۶۸	۱/۳۰	۶/۴۲	۲/۹۶	۷/۵۴	استقلال/ شرم و شک
۷/۲۲	۴/۹	۶/۵۵	۴/۰۴	۴/۵۲	۴/۵۲	۴/۷۰	۴/۷۰	ابتکار/ گناه
۸/۳۶	۵/۳۷	۷/۶۱	۴/۵۷	۶/۱۸	۴/۵۳	۷/۴۳	۵/۵۵	کوشایی/ کهنتری
۸/۲۳	۷/۰۱	۷/۵۱	۶/۷۳	۵/۰۸	۵/۸۳	۶/۵۳	۶/۵۴	هویت/ سردرگمی
-۰/۳۸	۶/۰۷	-۰/۳۶	۵/۵۷	-۲/۱۱	۵/۲۳	-۱/۸۱	۵/۵	صمیمیت/ انزوا
۸/۱۱	۷/۵۲	۷/۴۶	۷/۲۳	۴/۹۴	۶/۲۹	۶/۴۳	۷/۴۹	زاینده‌گی/ بی حاصلی
۴/۵۷	۶/۹۳	۴/۷۸	۵/۹۶	۲/۵۸	۵/۸۰	۳/۷۹	۵/۹۲	کمال/ نومییدی
۴۵/۷۹	۴۴/۳۸	۴۲/۰۸	۳۶/۸۶	۲۵/۶۲	۳۳/۰۴	۳۵/۶۲	۳۹/۹۱	نتیجه کل

طبق جدول ۱، نتایج حل تعارض مراحل هشت گانه تحول روانی-اجتماعی دانشجویان فارس، تُرك، لُر و کُرد در همه مراحل به جز مرحله ششم «صمیمیت/ انزوا»، مثبت است؛ اما در مرحله ششم نمره فرزندان والدین همه قومیت‌ها در انزوا بیشتر از صمیمیت و حاصل جمع جبری، عدد منفی شده است. در این میان دانشجویان لُر بیش از دانشجویان سه قوم دیگر انزوا طلبی را بر صمیمیت ترجیح می‌دهند و پس از آن‌ها دانشجویان کُرد، بعد فارس و بعد تُرك از نظر انزوا طلبی قرار دارند؛ ولی میزان انزوا طلبی قوم فارس و تُرك بسیار کمتر از لُر‌ها و کُرد‌ها است.

جدول ۲. یافته‌های نگرش مثبت، منفی و نتیجه مراحل هشت گانه تحول روانی-اجتماعی دانشجویان به تفکیک جنس و قومیت آن‌ها (۵۰ دختر و ۵۰ پسر در هر قوم)

دختر	تحول کل نگرش‌های مثبت		تحول کل نگرش‌های منفی		نتیجه کل تحول	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
فارس	۲۰/۱۰۸	۲۲/۴۹	۱۴۷/۲۶	۴۶/۱۶	۵۳/۸۲	۴۵/۵۶
تُرك	۲۰/۲۹۶	۲۰/۶۸	۱۵۷/۲۶	۴۲/۸۹	۴۵/۷۰	۳۹/۷۹
لُر	۱۸۷/۵۳	۲۷/۹۳	۱۵۷/۹۶	۳۳/۵۶	۲۹/۵۷	۳۲/۷۴
کُرد	۱۸۹/۸۸	۳۰/۶۴	۱۵۹/۹۰	۳۹/۱۷	۲۹/۹۸	۳۹/۳۹
کل	۱۹۵/۳۶	۲۶/۴۴	۱۵۵/۵۹	۴۰/۷۰	۳۹/۷۶	۴۰/۶۹
پسر						
فارس	۲۰/۲/۴۶	۲۲/۱۵	۱۶۴/۷۰	۴۶/۸۷	۳۷/۷۶	۴۲/۰۹
تُرك	۱۹۴/۹۸	۲۳/۹۵	۱۵۶/۰۲	۴۲/۰۸	۳۸/۴۶	۳۳/۶۹
لُر	۱۸۳/۲۳	۳۱/۶۹	۱۶۱/۵۴	۳۴/۹۰	۲۱/۶۸	۳۳/۱۹
کُرد	۲۰۷/۵۸	۲۵/۰۳	۱۶۶/۳۲	۴۸/۳۴	۴۱/۲۶	۴۰/۰۱
کل	۱۹۷/۰۶	۲۷/۳۴	۱۶۲/۱۴	۴۳/۲۲	۳۴/۷۹	۳۷/۹۵

نقش تعاملی قومیت و جنس در تبیین تحول ...

جدول ۲ نشان می‌دهد در مراحل هشت‌گانه تحول روانی-اجتماعی دختران تُرک و پسران کُرد بیشترین رشد را؛ و دختران و پسران کُرد کم‌ترین رشد را نسبت به سه قوم دیگر داشته‌اند. برای آزمون سوال‌های پژوهش از تحلیل واریانس چند متغیری دوره (۳×۲) استفاده و قبل از اجرای آن، برقراری یا عدم برقراری مفروضه‌ها در بین داده‌ها ارزیابی شد.

جدول ۳. نتایج آزمون چولگی و کشیدگی و لون در مورد تحول روانی-اجتماعی دانشجویان

مرحله ۱	مرحله ۲	مرحله ۳	مرحله ۴	مرحله ۵	مرحله ۶	مرحله ۷	مرحله ۸	
۰/۲۲۹	۰/۵۱۲	۰/۱۳۵	۰/۲۱۸	۰/۴۰۹	۰/۷۰۰	۰/۳۳۳	۰/۰۵۰	چولگی
۰/۹۳۴	-۰/۴۳۲	۰/۷۶۶	۰/۷۳۱	-۰/۴۷۰	۰/۱۶۳	۰/۲۲۰	۰/۵۵۲	کشیدگی
اعتماد	استقلال	ابتکار	کوشایی	احراز هویت	صمیمیت	زاینده‌گی	کمال	تحول مثبت
۷/۵۶۶	۴/۷۱۰	۰/۵۴۱	۱/۴۶۰	۴/۸۳۷	۲/۰۱۷	۳/۱۱۲	۰/۸۵۱	آماره لون
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۶۵۵	۰/۲۲۵	۰/۰۰۳	۰/۱۱۱	۰/۰۲۶	۰/۴۶۷	معنی‌داری
بی‌اعتمادی	شرم و شک	گناه	کپتري	سردرگمی	انزوا	بی‌حاصلی	نومیدی	تحول منفی
۵/۳۱۶	۶/۶۰۰	۲/۷۳۳	۴/۷۱۰	۱۰/۴۶۱	۲/۳۹۰	۸/۵۷۲	۶/۹۹۲	آماره لون
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	معنی‌داری
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	نتیجه
۲/۰۱۲	۲/۷۶۵	۰/۷۱۱	۱/۵۳۵	۲/۱۲۷	۱/۷۰۱	۲/۲۲۳	۱/۶۲۲	مرحله
۰/۱۱۲	۰/۰۴۲	۰/۵۴۶	۰/۲۰۵	۰/۰۹۶	۰/۱۶۶	۰/۰۸۵	۰/۱۸۴	آماره لون
								معنی‌داری

در جدول ۳، قدر مطلق مقادیر چولگی و کشیدگی همه خرده‌مقیاس‌های تحول روانی-اجتماعی کوچک‌تر از ۲ و بیانگر طبیعی بودن توزیع داده‌ها است. نتایج آزمون F لون با درجه آزادی ۳ و ۳۹۶ نشان می‌دهد، در تمام موارد همگنی واریانس‌ها برقرار نیست. اما از آن‌جا که آزمون آماری تحلیل واریانس در مقابل تخطی از مفروضه همگنی واریانس‌ها مقاوم است، بنابراین موضوع عدم برقراری مفروضه همگنی واریانس‌ها در بین گروه‌ها، نتایج تحلیل را بی‌اعتبار نمی‌سازد.

جدول ۴. آزمون ام- باکس برای بررسی برابری ماتریس کوواریانس

آماره ام- باکس	F	df ۱	df ۲	معنی‌داری
۷۱/۹۸۰	۱۱/۵۹۸	۶	۶۹۵۸۳/۶۹۸	۰/۰۰۰۱
آزمون بارتلت	نسبت احتمال	تقریبی ^۲	df	معنی‌داری
	۰/۰۰۰۱	۱۸۱۸/۸۸۰	۵	۰/۰۰۰۱

در جدول ۴، نمره F حاصل از آزمون همگنی ماتریس‌های کوواریانس مشاهده‌شده معنادار است و آزمون‌های فرضیه صفر مبنی بر برابری ماتریس‌های کوواریانس مشاهده‌شده متغیرهای وابسته در سراسر گروه برقرار نیست. با وجود این تاباچینک و فیدل (۲۰۰۷، ص ۲۵۲) براین باورند در صورت برابری حجم نمونه در خانه‌های جدول (قومیت × جنس)، عدم برقراری مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس و کوواریانس موجب بی‌اعتبار شدن نتایج خواهد شد. افزون بر این، نتیجه

آزمون کرویت بارلت نشان می‌دهد سطح قابل قبولی از همبستگی بین متغیرهای وابسته برقرار و بنابراین استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری روش معقولی برای آزمون فرضیه پژوهش است. با توجه به این که مفروضه برابری ماتریس‌های کواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار نیست؛ از بین آماره‌های چهارگانه، اثر پیلایی گزارش شد.

جدول ۵. اثرهای اصلی قومیت و اثر تعاملی جنس × قومیت در تحول روانی-اجتماعی دخترها و پسرها

متغیر	نتایج تحلیل واریانس چند متغیری				نتایج تحلیل واریانس یک متغیری				
	اثر پیلایی	df فرض و خطا	F	η^2	تحول	میانگین مجذورات	df بین و درون گروهی	F	η^2
جنس	۰/۰۰۷	۳ و ۳۹۰	۰/۹۸۲	۰/۰۰۷	-	-	-	-	-
قومیت	۰/۰۹۱	۹ و ۱۱۷۶	۴/۰۹۲	۰/۰۳۰	منفی	۱۰۶۹/۲۳	۳ و ۳۹۲	۰/۶۰۴	۰/۰۰۵
					مثبت	۵۵۸۸/۶۳	۳ و ۳۹۲	۸/۵۸	۰/۰۶۲
					کل	۷۸۰۵/۷۱	۳ و ۳۹۲	۵/۲۵	۰/۰۳۹
جنس × قومیت	۰/۰۵۰	۹ و ۱۱۷۶	۲/۲۲۱	۰/۰۱۷	منفی	۱۵۶۷/۶۲	۳ و ۳۹۲	۰/۸۸۶	۰/۰۰۷
					مثبت	۲۷۴۵/۵۳	۳ و ۳۹۲	۴/۲۲	۰/۰۳۱
					کل	۳۳۳۸/۹۳	۳ و ۳۹۲	۲/۲۵	۰/۰۱۷

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری بیانگر معناداری اثر اصلی قومیت ($P < 0.0001$) و اثر تعاملی جنس و قومیت ($P < 0.019$) است. به دنبال معناداری ارزش F ، تحلیل واریانس یک متغیری انجام شد و نتایج آن در سمت چپ جدول نشان می‌دهد، نمره‌های F مربوط به سطوح قومیت در نگرش‌های مثبت ($P < 0.0001$) و در نتیجه کل ($P < 0.01$)؛ و اثر تعاملی جنس × قومیت تنها در نگرش‌های مثبت ($P < 0.006$) معنادار است. این موضوع بیانگر آن است که تحول روانی-اجتماعی در نگرش‌های مثبت در بین اقوام وابسته به جنس آزمودنی‌ها است. چون عامل قومیت چهار سطح داشت، لذا برای ارزیابی تفاوت متغیرهای نگرش‌های مثبت، منفی و نتیجه کل در چهار قوم از آزمون بن‌فرونی استفاده و فقط تفاوت‌های معنادار در جدول ۶ درج شد.

جدول ۶. مقایسه‌های چندگانه آزمون پس‌تجربی بن‌فرونی در مورد تفاوت رشد نگرش‌های

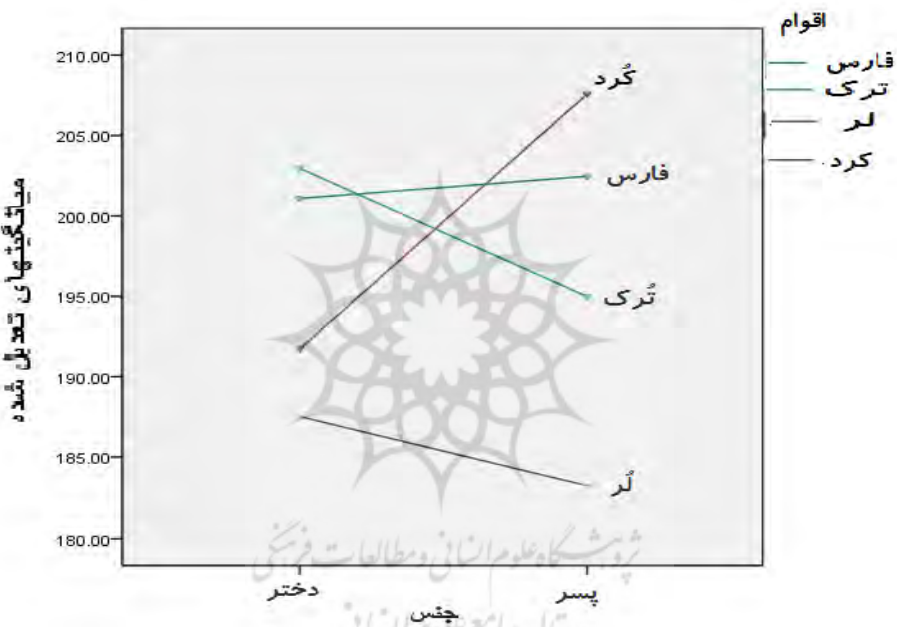
مثبت و نتیجه کل در چهار قوم

تفاوت میانگین ($I - J$)	خطای انحراف معیار	تحول روانی-اجتماعی
۱۶/۴**	۳/۷۲	نگرش‌های مثبت
۱۳/۶**	۳/۷۴۲	فارس
۱۴/۲۸**	۴/۰۷	ترک
۲۰/۱۷**	۵/۵۳	کرد
۱۶/۴۶**	۴/۹۵	فارس
		ترک

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

نقش تعاملی قومیت و جنس در تبیین تحول ...

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد به‌طورمعنی‌داری رشد نگرش‌های مثبت در تحول روانی-اجتماعی دانشجویان «فارس» بیش از دانشجویان «لُر» ($P < 0/0001$)؛ دانشجویان «تُرک» بیش از دانشجویان «لُر» ($P < 0/002$) و دانشجویان «کُرد» بیش از دانشجویان «لُر» ($P < 0/003$) است. همچنین به‌طورمعنی‌داری رشد نتیجه کل تحول روانی-اجتماعی، دانشجویان «فارس» بیش از دانشجویان «لُر» ($P < 0/002$) و دانشجویان «تُرک» بیش از دانشجویان «لُر» ($P < 0/006$) است. گفتنی است تفاوت معناداری در دیگر مقایسه‌ها در قطب نگرش‌های مثبت، در قطب نگرش‌های منفی و در نتیجه کل تحول روانی-اجتماعی مشاهده نشد.



نمودار ۱. اثر تعاملی جنس و قومیت در نگرش‌های مثبت تحول روانی-اجتماعی

نمودار ۱ نشان می‌دهد بالاترین نمره نگرش‌های مثبت تحول روانی-اجتماعی مربوط به دختران قوم تُرک و پسران قوم کُرد است. نمره نگرش‌های مثبت در دختران تُرک بیش از پسران تُرک؛ در پسران کُرد بیش از دختران کُرد؛ در دختران قوم لُر بیش از پسران همین قوم و در مجموع رشد نگرش‌های مثبت دختران و پسران قوم لُر از دختران و پسران اقوام دیگر کم‌تر است.

بحث و نتیجه گیری

تحلیل داده‌های توصیفی پژوهش حاضر نشان داد، نتیجه حل تعارض مراحل هشت‌گانه تحول روانی-اجتماعی دانشجویان فارس، تُرک، لُر و کُرد در هفت مرحله مثبت؛ فقط در مرحله ششم «صمیمیت/انزوا» منفی است؛ این نتیجه به این معنی است که گرایش به انزواطلبی در دانشجویان فارس، تُرک، لُر و کُرد به‌ویژه جوانان لُر که نمره منفی بیشتری داشتند بیش از صمیمیت است. هرچند تفاوت فرزندان اقوام مختلف در هیچ‌یک از نگرش‌های منفی تحول روانی-اجتماعی و مرحله ششم معنی‌دار نبود؛ اما نمی‌توان به‌سادگی از کنار این یافته گذشت؛ زیرا ممکن است با حجم نمونه بیشتر یا انجام پژوهش در زادگاه جغرافیایی چهار قوم نتایج معناداری به‌دست آید. به‌رحال در تبیین این یافته می‌توان به نظریه اریکسون (۱۹۶۸ و ۱۹۶۶، نقل از برک و رابرت، ۲۰۰۹) استناد کرد که مرحله ششم از ۱۹ تا ۳۵ سالگی را، آغاز بزرگسالی و دوره محبت و عشق، نزدیکی و صمیمیت در برابر کناره‌گیری و انزوا در نظر گرفته و معتقد است؛ فرد در طول این دوره از والدین و سازمان‌های والدینی مانند مدرسه مستقل می‌شود و به‌عنوان بزرگ‌سالی پخته و مسئول شروع به‌کار و با دیگران روابط صمیمی برقرار و پیوند زناشویی ایجاد می‌کند. در این مرحله هم‌جوشی هویت با دیگری به صمیمیت، و از سوی دیگر روابط رقابت‌آمیز و خصمانه با دیگری به انزوا و گوشه‌گیری می‌انجامد (کرین، ۲۰۱۰). بر اساس نظریه قضاوت ویلسون (۱۹۶۷؛ نقل از جلوانی، ۱۳۹۰) که در حوزه بهزیستی مطرح شده است، مسأله دیگر میزان انتظار است. مطابق با این نظریه، بهزیستی ذهنی به تضاد بین موقعیت واقعی و انتظار شخص از زندگی بستگی دارد. بنابراین، احتمالاً انزواطلبی جوانان هر چهار قوم به‌ویژه قوم «لُر» در این پژوهش؛ ممکن است به‌خاطر فقدان یا کمبود مهارت‌های ارتباطی، عدم دسترسی به امکانات لازم و کمبود حمایت از سوی خانواده، به‌ویژه جامعه برای مستقل شدن باشد. به‌عنوان مثال، می‌توان به فقدان یا کمبود آموزش‌های لازم برای کسب مهارت‌های زندگی و زناشویی در سراسر دوران تحصیل، دشواری در پیدا کردن کار و یا فرصت‌های کم شغلی، نداشتن درآمد و امکانات برای تشکیل خانواده و جز آن اشاره کرد؛ که احساس تعلق به جامعه و صمیمیت را در جوانان هر چهار قوم به‌ویژه جوانان قوم «لُر» کاهش داده و آن‌ها را به سوی انزواطلبی کشانده است.

همچنین در این پژوهش نتایج نشان داد نمره میانگین نگرش‌های مثبت به‌ترتیب در دانشجویان «فارس»، «کُرد» و «تُرک» بیش از دانشجویان «لُر»؛ و نیز میانگین نتیجه تحول دانشجویان «فارس» و «تُرک» بیش از دانشجویان «کُرد» است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت از آن‌جا که والدین هر قوم، میراث فرهنگی، ارزش‌ها، عقاید و منش‌های ویژه خود را دارند (فینی و اونگ، ۲۰۰۷)؛ ممکن است از روش‌های تربیتی و فرزندپروری مختلفی استفاده کرده باشند که منجر به ایجاد سطوح متفاوت نگرش‌های مثبت تحول روانی-اجتماعی در فرزندان‌شان شده باشد؛ و در این

زمینه نیز والدین دانشجویان سه قوم دیگر نسبت به والدین دانشجویان «لُر» انتظارات، برخوردها، رفتار و شیوه‌های تربیتی بهتر و مناسب‌تری با فرزندان خود داشته‌اند. در تایید این یافته پژوهش دانش (۱۳۹۴) نشان داد والدین فارس، تُرک، لُر و کُرد از نظر شیوه‌های فرزندپروری آزادگذارانه، مستبدانه و مقتدرانه با یکدیگر تفاوت دارند و استفاده از شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی در والدین فارس، تُرک و کُرد بیشتر از والدین لُر است. والرئ، شوت، هنسن و آندروود (۲۰۱۱) نشان دادند در والدین مقتدر ویژگی‌های عشق ورزیدن، حامی بودن و حفظ سطح مطلوبی از نظم در خانواده، همچنین اعتماد و قابلیت در دسترس بودن والدین برای کودک وجود دارد، که کودکان را برای صحبت در مورد مشکلات خود و انتظاراتشان از والدین، برمی‌انگیزاند. پژوهش چن و کو (۲۰۱۱) نشان داد سبک والدینی مقتدر با تندرستی و عزت نفس بالاتر و احتمال پایین‌تر رفتارهای منفی مانند سیگار کشیدن، درگیری و یا داشتن دوستان سوءاستفاده کننده از مواد در ارتباط است.

همچنین در پژوهش حاضر تحلیل یافته‌ها نشان داد بالاترین نمره در نگرش‌های مثبت تحول روانی-اجتماعی مربوط به دختران «تُرک» و پسران «کُرد» و نمره نگرش‌های مثبت در دختران تُرک بیش از پسران تُرک؛ و در پسران کُرد بیش از دختران کُرد است. در دختران قوم «لُر» بیش از پسران همین قوم و در مجموع رشد نگرش‌های مثبت دختران و پسران قوم «لُر» از دختران و پسران اقوام دیگر کمتر است. در تبیین این یافته به‌ویژه در مورد دختران و پسران قوم لُر ممکن است به انتظارات والدین قوم «لُر» از فرزندان به‌ویژه از فرزندان پسر اشاره کرد. در این زمینه ویلسون (۱۹۶۷؛ نقل از جلوانی، ۱۳۹۰) معتقد است سلامت ذهن با نسبت آرزوهای ارضاشده، به کل آرزوها برابر است. طبق این نظریه، انتظارات غیرواقع‌بینانه به‌اندازهٔ اوضاع بد، موجب کاهش سلامت ذهن می‌شود. بی‌بی، چادوهری، آوان و تریک (۲۰۱۳) خاطر نشان ساختند والدین، شخصیت‌های مهمی هستند که تاثیر زیادی در زندگی کودک دارند و نقش فعالی را در زندگی وی بازی می‌کنند. شخصیت، نگرش‌ها و رفتارهای ویژه والدین در پرورش فرزندان‌شان، سبک والدینی آن‌ها را شکل می‌دهد که در زندگی کودک اهمیت بسیاری دارد. کنافو (۲۰۰۳)، نقل از فخری، دانش، شهیدی و سلیمی‌نیا، (۱۳۹۱) دریافت پدران مستبد بیش از پدران غیرمستبد، از فرزندان‌شان انتظار دارند محافظه‌کار باشند، افراد متعلق به گروه‌های غیرخودی را طرد کنند، اهمیت زیادی به سنت و اطاعت از آن و از طرفی اهمیت کمتری به خودفرمانی بدهند؛ کسب قدرت و غلبه بر مردم را بالاترین ارزش بدانند و جامعیت و در نظر گرفتن رفاه همه افراد جامعه را پایین‌ترین ارزش برای خود در نظر بگیرند. تامپسون، هولیس و ریچاردز (۲۰۰۳؛ نقل از دانش، ۱۳۹۴) از نگرش‌های فرزندپروری مستبدانه به‌عنوان یک خطر برای تحول روانی-اجتماعی و مشکلات سلوکی یاد کرده‌اند. مطالعه منسا و کورانچی (۲۰۱۳) در مورد ۴۸۰ دانش‌آموز در مرحله نوجوانی نشان داد والدین مقتدر با داشتن رفتاری مبتنی بر استدلال، درک،

توافق و اعتماد به فرزندان؛ باعث رشد رفتار موافق اجتماعی در فرزندان‌شان می‌شوند درحالی‌که والدین مستبد با داشتن رفتاری مبتنی بر قوانین سخت، اجبار، تهدید و تنبیه‌های کلامی و جسمی؛ رفتار ضداجتماعی را در فرزندان‌شان رشد می‌دهند. در مطالعه‌ای در مورد دوقلوهای یک تخمکی و مادران‌شان نیز آشکار شد که مادران با شیوه والدینی مقتدر که دارای مجموعه‌ای از قوانین و عدم خشونت است می‌توانند مشکلات کودکان‌شان را کاهش دهند (پاماگاتا، تاکاهاشی، اوزاکی، فوجی ساوا و همکاران، ۲۰۱۳).

در تبیین بالاترین نمره تحول در دختران «تُرک» و پسران «گُرد» نسبت به سه قوم دیگر و نیز پایین‌ترین نمره تحول در دختران و پسران «لُر»؛ یافته‌های پژوهشی دانش، شمشیری، کاکاوند و سلیمی‌نیا (۱۳۹۲) نشان داد خودکارآمدی و خوش‌بینی دختران نوجوان با کمال‌گرایی مثبت مادران همبستگی مثبت و با کمال‌گرایی منفی مادران همبستگی منفی دارد. پژوهشگران مذکور نتیجه‌گیری کردند، چون کمال‌گرایی مثبت، انتظاراتی عقلانی و واقع‌گرایانه مطابق با امکانات و محدودیت‌ها در فرد ایجاد می‌کند، به‌وسیله تقویت خود و افزایش عزت نفس، خودکارآمدی را افزایش می‌دهد، و با بالا رفتن خودکارآمدی، خوش‌بینی دختران نوجوان افزایش می‌یابد؛ و بالعکس. در پژوهش دیگری دانش، نیکومنش، سلیمی‌نیا، سابقی و شمشیری (۱۳۹۳) نشان دادند روابط مادران و دختران در فرایندی دو سویه باهم در تعاملند. مسئولیت‌پذیری، گشودگی در برابر تجربه‌ها و برون‌گرایی مادران با کمال‌گرایی انطباقی دختران رابطه مثبت و روان‌رنجورخویی با این نوع کمال‌گرایی رابطه منفی دارد. مداحی، صمدزاده، جاویدی و امینی (۲۰۱۲) نیز نشان دادند سبک والدینی مقتدر با ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری، ارتباط دارد. در پژوهش دیگری آشکار شد سبک والدینی مقتدر به‌طور غیرمستقیم می‌تواند با داشتن نظارت و پرورش خودپنداره مثبت، بر پیشرفت علمی اثرگذار باشد (آیسلینگ، ۲۰۱۲).

با این یافته‌ها می‌توان به نقش حساس رفتار و شیوه تربیتی والدین در ارتباط با فرزندان پی برد. از این رو پیشنهاد می‌شود از نتایج این پژوهش مسئولین و سایر نهادهای مربوطه جهت برنامه‌ریزی برای آموزش والدین و نیز برای پیشگیری از آسیب‌های روانی و نیز ارتقاء سلامت و رشد روانی-اجتماعی جوانان این مرز و بوم استفاده کنند. از آنجایی که نمونه این مطالعه مربوط به قومیت‌های فارس تُرک، گُرد و لُر بود، توصیه می‌شود برای تعمیم نتایج به سایر قومیت‌ها، در مطالعات آتی از دیگر اقوام نیز استفاده شود. همچنین، با توجه به اهمیت تحول روانی-اجتماعی افراد جامعه، تکرار مطالعاتی از این دست در زادگاه جغرافیایی اقوام مختلف، و تعیین ارتباط تحول روانی-اجتماعی با سایر متغیرها، از جمله عزت نفس، خودکارآمدی و جز آن ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین پیشنهاد می‌شود دیگر عوامل اثرگذار والدین بر رشد روانی-اجتماعی فرزندان‌شان نظیر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها، جهت‌گیری مذهبی، هوش هیجانی، هوش معنوی، کیفیت زندگی، رضایت

نقش تعاملی قومیت و جنس در تبیین تحول ...

زناشویی، تاب‌آوری، راهبردهای مقابله با استرس آن‌ها و جز آن و نیز نقش و تاثیر سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی والدین نظیر سن، تحصیلات، شغل، وجهه اجتماعی، وضعیت اقتصادی والدین و جز آن بر رشد روانی-اجتماعی فرزندان‌شان مطالعه شود.

منابع

- اعظم‌آزاده، منصوره، و دهقان‌فرد، راضیه. (۱۳۸۵). خشونت علیه زنان در تهران، رابطه بین جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و رابطه خانوادگی. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*. بهار و تابستان، ۴(۱۴): ۱۵۹-۱۷۹.
- برک، لورا. ای. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی رشد: از نوجوانی تا پایان زندگی*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران، انتشارات ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
- تقی‌زاده، محمدعلی، خوش‌کنش، ابوالقاسم، زاده‌محمدی، علی، و حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۳). مقایسه هویت قومی و بهزیستی ذهنی در اقوام ایرانی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ۱۴(۵۲): ۱۳۵-۱۵۴.
- جلوانی، راضیه. (۱۳۹۰). *بررسی اثربخشی آموزشی شناختی رفتاری بر خوش‌بینی و بهزیستی ذهنی زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- جمالی، صغری، و سیف، دیبا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی تحول روانی-اجتماعی دانشجویان استعداد درخشان بر مبنای تجارب حاصل از تحصیل در دانشگاه. *مجله روان‌شناسی*. ۱۶(۲) پیاپی ۶۲: ۱۴۱-۱۲۱.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۷). *هویت قومی و رابطه‌ی آن با هویت ملی در ایران*. تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۳ و ۴): ۱۶۴-۱۴۳.
- دانش، عصمت، تکریمی، زیبا، و نفیسی، غلامرضا. (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در میزان افسردگی فرزندان‌شان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. بهار، ۱(۲): ۱۴۱-۱۲۵.
- دانش، عصمت، رضابخش، حسین، بهمنی، زهرا، و سلیمی‌نیا، نرگس. (۱۳۹۰). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان زن دانشگاه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، پاییز، ۵(۳) پیاپی ۱۹: ۵۵-۳۹.
- دانش، عصمت، شمشیری، مینا، کاکاوند، علیرضا، و سلیمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۲). رابطه بین کمال‌گرایی مادران با خودکارآمدی و خوش‌بینی در دختران. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*. پاییز، ۹(۳): ۱۵۱-۱۲۵.

- دانش، عصمت، نیکومنش، نرسانگا، سلیمی نیا، نرگس، سابقی، لیلا، و شمشیری، مینا. (۱۳۹۳). رابطه صفات شخصیتی مادران با کمال‌گرایی دختران نوجوان آن‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، زمستان، ۸(۴ پایایی ۳۲): ۶۳-۷۸.
- دانش، عصمت. (۱۳۹۴). *نقش تعاملی هوش معنوی و شیوه‌های فرزندپروری والدین فارس، ترک، آگر و کرد در تحول روانی-اجتماعی فرزندان دختر و پسر آن‌ها*. طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- ریسیان‌زاده، جعفر. (۱۳۸۹). *رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها و تاثیر آن بر تحول روانی-اجتماعی فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- علیجانی، مریم. (۱۳۸۵). *رابطه بین هویت دینی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی*. *مطالعات روان‌شناختی*، ۲(۱ و ۲): ۱۰۶-۸۹.
- فخری، زهرا، دانش، عصمت، شهیدی، شهریار، و سلیمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۱). *کیفیت نظام ارزشی و باورهای خودکارآمدی در فرزندان دارای پدر جانباز و غیرجانباز*. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، زمستان، ۶(۴ پایایی ۲۴): ۲۵-۴۲.
- کریم‌زاده، علی، علوی، سید فواد، و احمدی‌راد، علی. (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)*. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، بهار*. (۲۰): ۵۳-۸۰.

- Aisling, M. A. (2012). The relationship of parenting style to academic achievement in middle childhood. *The Irish Journal of Psychology*, 33(4): 137-152.
- Bellussi, L., Mardala, M., Passali, F. M., passali, G. C., Lauriello, M., & passali, D. (2005). Quality of life and psycho-social development in children with otitis media with effusion: *Acta Otorhinolaryng Ital*, 25 (6): 359-364.
- Berk, L. E, & Roberts, W. L. (2009). *Child development* (3rd Canadian ed.). Toronto, ON: Pearson Allyn and Bacon.
- Bibi, F., Chaudhry, A. G., Awan, E. A., & Tariq, B. (2013). Contribution of parenting style in life domain of children. *Iosr Journal of Humanities and Social Science (Iosr-Jhss)*, 12 (2): 91-95.
- Bukatko, D. & Daehler M. W. (2004). *Child development: A thematic approach* (5th ed.). Boston, Houghton Mifflin.
- Bush, k. R., & Perterson, G. W. (2007). *Family in fluencies on child development*. In T. P. Gullotta & G. M. Ramos (eds), *Handbook of child book behavioral issues: Evidence-Based Approaches to Prevention and Treatment*. (pp. 43-68). New York: Rout Ledge/Taylor & Francis.
- Chan, T. W., & Koo, A. (2011). Parenting style and youth outcome in the UK. *Eur Sociol Rev*. 27 (3): 385-399. doi:10.1093/esr/jcq013

- Copple, C., & Bredekamp, S. (2009). *Developmentally appropriate practice in early childhood programs*. Washington, DC: National Association for the Education of Young Children.
- Crain, W. (2010). *Theories of development: Concepts and applications*, 6th ed. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Derdikman-eiron, R., Indredavik, M. S., Bratberg, G. H., Tarldsen, G., Bakken, I. J. & Colton, M. (2011), Gender differences in subjective wellbeing, self-esteem and psychosocial functioning in adolescents with symptoms of anxiety and depression: Findings from the Nord-Trøndelag health study. *Scandinavian Journal of Psychology*, 52: 261° 267.
- Go, C. g., & Le, T. N. (2005). Gender differences in Cambodian delinquency: The role of ethnic identity, parental discipline, and peer delinquency. *Crime & Delinquency*, 51, 220-237.
- Chau Vo, V. T. M. (2008). *The relationship between ethnic identity development and degree of self-steem among Vietnamese American students*. Phd Dissertation. California State University, Long Beach.
- Gredler, M. E. (2009). Hiding in Plain Sight: The Stages of Mastery/Self-Regulation in Vygotsky s Cultural-Historical Theory. *Educational Psychologist*, 44(1): 1-19. Retrieved on July 20, 2009, from Canadian Research Knowledge Network: <http://dx.doi.org/10.1080/00461520802616259>
- Hawley, G. A. (1984). *Construction and validation of an Eriksonian Measure of Psychosocial Development*. Chapel Hill. The University of North Carolina: 276.
- Hawley, G. A. (1988). *Measures of Psychological Development (MPD): Professional Manual*. Psychological Assessment Resources, Inc.
- Hurley, A. (2011). *Cognitive Development: Overview*. Tufts University.
- Iwamoto, D. K. Liu, W. M. (2010). The impact of racial identity, ethnic identity, Asian values, and race-related stress on Asian Americans and Asian international college students psychological well-being. *Journal of Counseling Psychology*, 57(1): 79-91.
- Kerejce, R.V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Education Psychological Measurement*, 30: 607-610.
- Krieger, A. (2010). *The role of family functioning in ethnic identity and well-being in Jewish late adolescent women*. Dissertations and Master's Theses (Campus Access). University of Rhode Island.
- Maddahi, M., Samadzadeh, M., Javidi, N., & Amini, M. (2012). The study of relationship between parenting styles and personality dimensions in sample of college students. *Indian Journal of Science & Technology*, 5(9): 3332-3336.
- Marsiglia, C. S., Walczyk, J.J., Buboltz, W. C., & Griffith-Ross, D. A. (2007). Impact parenting styles and locus of control on emerging adult s psychosocial success. *Journal of Education and Human Development*, 1(1): Retrieved January 11, 2007, from <http://www.Scientificjournals.org/1031.htm>.
- McLeod, S. A. (2013). *Erik Erikson*. Retrieved from <http://www.Simplepsychology.org/Erik-Erikson.html>

- Mensah, M. K., & Kuranchie, A. (2013). Influence of parenting style on the social development of children. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2 (3): 123-130.
- Philos, J. M. (2010). Adolescent Psychological Development, Parenting Styles, and Pediatric Decision Making *journal of Medicine and Philosophy*. 35(5): 493-498. jmp.oxfordjournals.org.
- Phinney, J., & Ong, A. (2007). Conceptualization and measurement of ethnic identity: Current status and future directions. *Journal of Counseling Psychology*, 54, 271-281.
- Shieck N. (2006). Parenting style and its correlates. *Genetic social, general psychology monographs*; 25(3): 269-297.
- Silver, D. (2011). Using the Zone Help Reach Every Learner. *Kappa Delta Pi Record*, 47(sup1): 28-31.
- Slicker, E., Picklesimer, B. Guzak, A. & Fuller, D. (2005). The relationship of parenting style and older adolescent life skills development in the United States. *Young*. 3 (3): 227-245.
- Smith, T., & Silva, L. (2011). Ethnic identity and personal well-being of people of color: A meta-analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 58(1): 42-60.
- Syed, M., Walker, L., Lee, R., Umaña-Taylor, A., Zamboanga, B., Schwartz, S., Armenta, B., & Huynh, Q. (2013). A two-factor model of ethnic identity exploration: Implications for identity coherence and well-being. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 19(2): 143-154.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics* (5 th ed.). Boston: Allyn and Bacon.
- Tao, A., Zhou, Q., Lau, N., & Liu, H. (2013). Chinese American immigrant mothers discussion of emotions with children: Relations to cultural orientations. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 44, 478-501.
- Thompson, A., Hollis, C., & Richards, D. (2003). Authoritarian parenting attitudes as a risk for conduct problems: results from a British national cohort study. *European child adolescence psychiatry*, 12: 84-91.
- Valerie, J., Shute, E. G., Hansen, J. S., & Underwood, R. R. (2011). A review of the relationship between parental involvement and secondary school student s academic achievement. *Education Research International*, A review article. Article ID 915326, 10 pages. <http://dx.doi.org/10.1155/2011/915326>.
- Williams, M. T., Chapman, L. K., Wong, J., & Turkheimer, E. (2012). The role of ethnic identity in symptoms of anxiety and depression in African Americans. *Journal of Psychiatry Reserch*, 199(1): 31-36.
- Yamagata, S., Takahashi, Y., Ozaki, K., Fujisawa, K. K., Nonaka, K., & Ando, J. (2013). Bidirectional influences between maternal parenting and children s peer problems: A longitudinal monozygotic twin difference study. *Dev Sci*, 16 (2): 59-249.
